

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی بری میسان- par Thierry Meyssan
برگردان از: حمید محوی
۳۱ می ۲۰۱۶

گردهمایی هفت کشور صنعتی، گردهمایی ریاکاری غربی

Le G7, sommet de l'hypocrisie occidentale

گردهماییهای گروه هفت کشور صنعتی، که در آغاز چیزی نبود به جز بحث های منقطع بین رهبران غربی، پیش از آن که به تمرین ارتباطاتی تبدیل شود، خواست بلند پروازانه ای را برای تبدیل شدن به دولت جهانی در سر می پروراندند. گردهمایی ایسه شیمای Ise-Shima مسائل اساسی جهان را مرور کرد.

شبکه ولتر / دمشق (سوریه) / ۳۰ می ۲۰۱۶



نخستین گردهمایی ۵ کشور صنعتی در رامبویه (1975) Rambouillet

گروه 7 کشور صنعتی در ایسه شیمای (در جاپان) گردهمایی تشکیل داد. ولی در حالی که از گردهمایی پیشین سیراب شده بودیم، رسانه های بین المللی در رابطه با این گردهمایی دچار خشک سالی شد. علت این است که این گردهمایی عمیقاً اهدافش را تغییر داده است.

در بستر نخستین بحران نفتی در سال ۱۹۷۴، پنج وزیر امور مالی (المان فدرال، فرانسه، جاپان، بریتانیا، ایالات متحده امریکا) بی آن که موضوع مشخصی در کتابخانه کاخ سفید به ثبت رسانده باشند، فقط برای تبادل نظر گردهمایی تشکیل دادند و این "کتابفروشی گروه" بود.

بر اساس همین الگو، دو بازمانده از این گروه، یعنی والرئ ژیسکار دستن Valéry Giscard d'Estaing که به ریاست جمهوری فرانسه و هلموت شمیت Helmut Schmidt که به مقام صدر اعظم المان فدرال برگزیده شده بودند در سال بعد (۱۹۷۶) تصمیم گرفتند رؤسای همان کشورها را به علاوه ایتالیا برای تبادل نظر درباره مسائل مهم روز به کاخ رامبوپه (در حومه پاریس) دعوت کنند. در آن دوران، گردهمآئیهای بین المللی به ندرت صورت می گرفت و خیلی حالت رسمی داشت. گروه ۶ کشور صنعتی در نبود تشریفات، خصوصیت ساده، انبساط دوستانه و در فضائی مشابه کلوپ خصوصی این واقعیت را به روشنی بازتاب می داد. مذاکره ها مستقیماً بدون مداخله مترجم به زبان انگلیسی صورت می گرفت. گردهمآئی در آخرین دقیقه اعلام می شد. موضوع مشخصی وجود نداشت، روزنامه نگاران نیز حضور نداشتند.

در سال ۱۹۷۷، نخست وزیر کانادا را نیز دعوت کردند (گروه ۷ کشور صنعتی)، و از تاریخ ۱۹۷۸ رئیس هیأت اروپا به این گروه پیوست. در سال ۱۹۹۴ رئیس جمهور روسیه رسماً دعوت شد و در سال ۱۹۹۷ به عضویت تمام عیار گروه ۸ کشور صنعتی درآمد. غربیها در واقع بر این باور بودند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، روسیه در حال پیوستن به آنهاست، و این روند به تشکل جهان تک قطبی جامه عمل خواهد پوشاند و تسلط آنان را محرض خواهد کرد. و این روند در دورانی به قوع پیوست که طبقه رهبری فرا ملی با بلند پروازیهای بی حد و مرز در حال تشکل بود. این طبقه تصور می کرد که می تواند حقوق بین الملل را برود و جایگزین شورای امنیت در سازمان متحد شود تا سرانجام بی هیچ مانع و کنترولی بر جهان حکومت کند.

در سال ۲۰۰۰، گروه ۸ کشور صنعتی از پیشنهاد پال ولفوویتز Paul Wolfowitz و بانک جهانی برای منحل کردن قرض فقیرترین کشورها پشتیبانی کردند. با وجود این، یک شرط کوچک وجود داشت: کشورهای فقیر باید اقتصادشان را کاملاً با ساخت و ساز لیبرالی هماهنگ می کردند تا شرکتهای چند ملیتی بتوانند بی هیچ مانعی آنها را غارت کنند. از ۶۲ کشور مربوطه، فقط ۹ کشور این بازار مکاره را پذیرفتند. موضع گیری گروه ۸ کشور صنعتی به جنبش جهانی ضد جهانی سازی انجامید. در گردهمآئی بعدی، در ناپل (۲۰۰۱) سرکوب تظاهر کنندگان به بهای مرگ یک نفر تمام شد. به همین علت تصمیم گرفتند که از این پس گردهمآئیهای شان را با حفاظت پولیسی و نظامی در خارج از شهرهای بزرگ برگزار کنند. بر اساس این امر بود که می توانستند به دور از نگاه عموم به مذاکره ها و توطئه چینی هایشان ادامه دهند.

ولی در سال ۲۰۱۳ این روند به مشکل برخورد کرد: ولادیمیر پوتین به کرملین رفته بود و غربیها نیز با وجود تعهداتی که به کوفی عنان سپرده و در بیانیه ژنیو نیز تأیید کرده بودند، دوباره آتش جنگ علیه سوریه را شعله ور کردند. گردهمآئی لوگ ارن Lough Erne (ایرلند شمالی) به برخورد ۱ علیه ۷ تبدیل شد. در اصل موضوع مذاکره ها مبارزه علیه بهشت مالیاتی تعیین شده بود، ولی روی موضوع بازگشت غرب به سوریه تمرکز یافت. سال بعد (۲۰۱۴)، پس از کودتای کی یف، تقسیم اوکراین و ضمیمه شدن کریمه به فدراسیون روسیه، المان مشاهده کرد که از این پس، بین شرکت کنندگان اعتماد از بین رفته است و گردهمآئی نمی تواند به شکل گذشته برگزار شود. غربی ها در وضعیت مصیبت زده تصمیم گرفتند که در گردهمآئی ساچی Sochi شرکت نکنند و بی آن که روسیه حضور داشته باشد، در لاهه (هلند) گردهمآئی تشکیل دادند. گروه ۸ کشور صنعتی منهای یک به گروه ۷ کشور صنعتی تقلیل یافت. در ۴۲ سال پیش از این، پایان گردهمآئی به بیانیه کوتاهی می انجامید که مسائل اقتصادی مطرح شده را اعلام می کرد و روی انسجام غرب تأکید داشت. این بیانیه ها با شتاب ابعاد بزرگتری به خود گرفت تا به سرمایه داران بین المللی اطمینان دهد که در این گردهمآئی ها به شکل سری هیچ تصمیمی گرفته نمی شود. از وقتی که روسیه را دعوت کردند

و روزنامه نگاران به گردهمایی راه یافتند، بیانیه سیاسی ضمیمه شد که نشان می داد، جهان پیرامون واشنگتن متحد می شود. سپس متن های بلند بالائی درباره وضعیت جهان و نیک پنداری قدرت های بزرگ برای بهبود بخشیدن به آن منتشر کردند. ولی، هرگز، مطلقاً هرگز گروه ۸ کشور صنعتی هیچ تصمیمی نگرفت. حداکثر این بود که تعهداتی دادند که فوراً به فراموشی سپردند (مثل از بین بردن گرسنگی در جهان) و یا قطعنامه هائی که با همان شتابی زیر پا گذاشتند که به تصویب رسانده بودند (مثل منابع باز).



© Réseau Voltaire شبکه ولتر

از سال ۲۰۰۱، گروه ۸ کشور صنعتی به نام دولت جهانی به موازات سازمان ملل متحد خود را معرفی کرد، در واقع به گردهمایی هماهنگی بی هدف تبدیل شد. در عکس بالا که انتشار آن در چندین کشور ممنوع اعلام شده، رئیس جمهور دیمیتری مدودف را در حال مستی در گردهمایی ۲۰۱۱ می بینیم.

آنچه گروه ۷ کشور صنعتی به آن تبدیل شد

از ۹ عضو رسمی گروه ۷ کشور صنعتی، ۲ عضو دارای رأی مضاعف هستند: ایالات متحده می تواند روی هیأت اروپائی، ژان کلود یونکر Jean-Claude Juncker لوگزامبورگی حساب کند که پس از افشای تعلقاتش به گلا دیو Gladio (سرویس مخفی ناتو) مجبور شد از پست نخست وزیر استعفاء دهد. دومین عضو دارای رأی مضاعف المان است که می تواند روی رئیس شورای اروپا، دونالد تاسک Donald Tusk لهستانی حساب کند که خانواده اش از آغاز جنگ سرد در پیوند با خانواده مرکل Merkel است.

از این پس، گروه ۷ کشور صنعتی یک ملاقات رسمی ساده است. ایالات متحده و المان پیش نویس و بازی زبانی سیاسی را تعیین می کنند و از بقیه خدمتگذارانشان خواهش می کنند که آن را به کار ببرند. هزاران روزنامه نگار در این مراسم عشای ربانی بزرگ شرکت می کنند. به طور مشخص، گردهمایی ایسه شیما Ise-Shima بیانیه بلند بالا به علاوه ۶ پرونده در پیوست آن در زمینه اقتصاد و سیاست منتشر کرد که زبان نخبگان ایالات متحده را بازتاب می داد. در این بیانیه همه چیز دست کم ظاهراً کامل و بی عیب و نقص به نظر می رسد، ولی با بررسی عمیق آن، چنان که خواهیم دید، خلاف تمام انتظارات به نتایج شرم آوری می رسیم.

در مقدمه بیانیه، گروه ۷ کشور صنعتی ارزشهای مشترکشان را یادآور می شوند که شامل ۴ اصل است:

(۱) آزادی

(۲) دموکراسی

(۳) دولت قانون

(۴) احترام به حقوق بشر

سپس، قابلیت هایشان را برای تضمین مفاد زیر مطرح می کنند

(۱) صلح

(۲) امنیت

(۳) و توفیق جهان

و سرانجام، اولویتشان را تأیید می کنند

۱) رشد اقتصاد جهانی

هر کودکی بی هیچ مشکلی می تواند درک کند که این "افراد بزرگ" با ابراز اولویتشان برای رشد اقتصاد جهانی، در واقع نظریات و اهدافی را که مطرح کرده اند به ریشخند گرفته اند.



۹ عضو گروه ۷ کشور صنعتی

بیانیه نهائی گروه ۷ کشور صنعتی

در اینجا، به بررسی فرازهایی از بیانیه بسنده خواهیم کرد که به امور سیاسی در عرصه بین المللی از دیدگاه ۹ نفری مربوط می باشد که خود را قدرتمندترین در جهان می دانند. (1) در واقع فهرست ما شامل ۱۸ دروغ بزرگ غرب در عصر حاضر و فرصتی مناسب است برای مرور موضوعات و اختلافات مهم.

(۱) " مبارزه علیه تروریسم و افراطگرایی خشونتبار (2) "

متأسفانه از این پس در گردهمائی های بین المللی تروریسم به مثابه حاصل افراطگرایی خشونتبار پذیرفته شده است. گویا که موضوع صرفاً به مشکلات روانی شخصی در متن امور سیاسی مربوط می شود که هنوز حل نشده است. در نتیجه، تروریسم به مثابه ستراتیژی نظامی تلقی نمی شود، هیچ دولتی چنین روشی را به کار نمی برد و تنها از سوی منابع خصوصی و قاچاق تأمین مالی می شود. و این نظریه از دسامبر سال ۲۰۱۵ از سوی بان کی مون مطرح شد که به گروه ۷ کشور صنعتی پیوسته بود تا به توهم توافق جهانی رونق ببخشد: (3) یعنی یگانه دشمن، همانا

"افراطگرایی" است. فرمولی که به آنانی که تروریسم را سازماندهی می کنند اجازه می دهد تا به همت عالیشان هر مخالفتی را به بهانه پیشگیری از تروریسم سرکوب کنند.

همان گونه که طی مقالات بیشمار از سال ۲۰۰۱ این موضوع را بررسی کرده ایم، دست کم ۸ نفر از ۹ عضو گروه ۷ کشور صنعتی مستقیماً در پشتیبانی از القاعده و داعش در عراق، سوریه و لیبیا شرکت داشته اند. تنها ژوستین ترادرو Justin Trudeau عضو کانادائی است که از شرکت در این جنگ سرّی مبرا به نظر می رسد.

(۲) "مهاجرت و بحران پناهندگان" (و نه بحران پناهندگان و مهاجران)

باید از دیدگاه معنا شناسانه بین موج مهاجران و بحران افراد پناهنده تفکیک قائل شویم. مهاجران نقل مکان خودشان را انتخاب می کنند. مهاجران را به مثابه موج تلقی می کنند نه به مثابه مجموعه ای از افراد، به عکس، پناهندگانی که مجبور به ترک دیارشان شده اند از حق حمایت بین المللی برخوردارند.

با این حساب، در واقع تعداد پناهندگان واقعی خیلی اندک است. اکثر سوریهائی که از کشور گریخته اند و از کشورشان در مقابل جهاد طلبان دفاع نکرده اند به این علت بوده است که فکر می کردند که ناتو جمهوری را سرنگون خواهد کرد. افراد دیگری از جنگ گریختند زیرا می خواستند پس از پیروزی جهاد طلبان و ایجاد دولت اسلامی واقعی به سوریه بازگردند. ولی در حقوق بین الملل پناهندگانی که از دفاع مسلحانه از کشورشان در مقابل تهاجم خارجی سرپیچی کرده اند و یا آنانی که بی آن که خودشان دست به مبارزه بزنند، فقط برای بازگشت به پیروزی جهاد طلبان چشم دوخته اند، وضعیت پناهنده بازشناسی نشده است.

تردیدی وجود ندارد که همان دولتهائی که به سوریه حمله کرده بودند، مشوق پدیده فرار سوریها بودند و با چنین روشی می خواستند کشور را از ساکنانش خالی کنند. در نتیجه، تمام اعضای گروه ۷ کشور صنعتی در این طرح توطئه آمیز شرکت داشتند.

(۳) سوریه

گروه ۷ کشور صنعتی با قاطعیت تمام نقض ترک مخاصمه را از سوی "رژیم سوریه" محکوم می کند. البته هیچ چیزی درباره نقض های پیشینی که توسط گروه های مسلح انجام گرفته نمی گوید و نه حتا درباره یکی از مهمترین آنها در رابطه با نقض آتش بس که توسط خودشان صورت گرفته است. یعنی تحویل ۲۰۰۰ تن سلاح و مهمات از سوی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا به القاعده و داعش، به گواهی مجله Jane's. سلاح و مهماتی که دست کم نیمی از آن فوراً به القاعده و داعش تحویل داده شده است، یعنی گروه هائی که گروه ۷ کشور صنعتی چند سطر بالاتر می گوید علیه آنها می خواهد بجنگد. (4)

گروه ۷ کشور صنعتی در عین حال "رژیم" را محکوم می کند زیرا راه کمک های بین المللی را مسدود کرده است ("رژیم" شیوه بیانی تحقیر آمیزی است برای نامیدن دولتی که عضو سازمان ملل متحد می باشد، یعنی دولتی که همین گروه ۷ کشور صنعتی علیه آن جنگ به پا کردند تا "تغییر رژیم" را ممکن سازند).

در نتیجه، اموری که سازمان ملل متحد یاد آور شده مرتبط است به خود سازمان ملل متحد در نقض رعایت تاریخ و مسیری که از پیش با دولت سوریه تعیین کرده بودند. علاوه بر این، گروه ۷ کشور صنعتی نه تنها گروه های مسلح را برای مسدود کردن راه دسترسی به چندین منطقه محکوم نمی کند بلکه از همین بهانه و اتهام دروغین به "رژیم" استفاده می کند و به سازمان برنامه جهانی غذا اجازه می دهد تا از راه هوا با چتر برای مناطق زیر کنترل جهاد طلبان کمک

رسانی کند. به این علت که سازمان برنامه جهانی غذا امکان چنین عملیاتی را در اختیار ندارد، از نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا درخواست می کند، و نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا نیز تنها مواد غذایی و دارویی با چتر پیاده نمی کند، بلکه سلاح و مهمات را نیز با این کمک ها در مناطق زیر کنترل جهاد طلبان همراه می کند. این نوع عملیات تنها ظاهری بشر دوستانه دارد زیرا مواد غذایی و دارو در مناطق زیر کنترل جهاد طلبان فوراً توسط آنان تصرف می شود تا بعداً به قیمت طلا به مردم بفروشند و یا همانگونه که اخیراً کشف شد، به ترکیه صادر کنند. در پایان باید یادآور شویم که گروه ۷ کشور صنعتی مسأله سلاح های کیمیایی را مطرح می کند، بی آن که جبهه مشخصی را متهم کند؛ این موضوع نشان می دهد می توانند از بهانه علیه هر گروهی استفاده کنند، از جمله گروه های مسلح و دولت اردو خان. یعنی ابزاری خواهد بود برای باج گیری پیشبینی ناپذیر از دولت اردو خان.

۴) عراق

گروه ۷ کشور صنعتی از " وحدت، حاکمیت و تمامیت ارضی " کشور پشتیبانی می کنند، و برای مبارزه علیه داعش به دولت عراق تبریک گفتند و اعلام کردند که از این پس از تلاشهای بغداد برای کمک رسانی به مردم مناطق آزاد شده پشتیبانی می کنند. با وجود این، به این علت که به " رژیم " سوریه برای پیروزیهایش علیه داعش تبریک نگفته است، خلاف قطعنامه های شورای امنیت در سازمان ملل متحد، می توانیم نتیجه بگیریم که هدف اصلی آنان (گروه ۷) مبارزه علیه تروریسم نیست.

اعضای گروه ۷ کشور صنعتی اعلام کردند که در حال حاضر بیش از ۶،۳ میلیارد دلار برای کمک به مقامات عراقی و به همینگونه کرد در نظر گرفته است. با چنین کاری، خلاف آنچه چند سطر بالاتر نوشته بود را به اجراء می گذارند: در واقع، گرچه مدعی می شوند که از یکپارچگی کشور پشتیبانی می کنند، ولی مستقیماً به منطقه ای اسلحه تحویل می دهد و تشویق می کند که از قدرت مرکزی تبعیت نکنند.

۵) ایران

گروه ۷ کشور صنعتی با قاطعیت تمام توافقات یک سال پیش ۲۰۱۱ را با ایران تبریک گفت. در نتیجه ایران پیشبینی کرده بود که با لغو مجازاتهای که ایالات متحده آمریکا، اروپا در سطح بین المللی اعلام کرده بودند، می تواند به این کشور اجازه دهد که از ۱۵۰ میلیارد دالری که به شکل پراکنده در جهان در توقیف به سر می برد، استفاده کند. با وجود این، اگر کشورهای کوچکی که به اجبار دارائی های ایرانی را مسدود کرده بودند، این مبالغ را از توقیف بیرون آوردند، برای مثال، سوئیس ۱۲ میلیون دلار، ولی ایران حتی یک سنت هم از دارائی هایش را در ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا دریافت نکرده است. برای ایران وضعیت از این نیز بدتر است زیرا واشنگتن رسماً به گونه ای جلوه داد که گوئی ۴۵۰ میلیون دلار را آزاد کرده، ولی فوراً دادگاه ایالات متحده آن را توقیف کرد، که " مستقل " از انگیزه پرداخت خسارت به قربانیان سوء قصدهای ۱۱ سپتمبر بود که ایالات متحده طی ۱۵ سال گذشته هرگز اتهامی در این واقعه به ایران وارد نکرده بود. در اینجا موضع گیری ۹ عضو گروه ۷ کشور صنعتی در پاسخ به شکایت ایران از شورای امنیت با اتکاء به جنبش دولت های غیر متعهد مطرح می شود. (5)

گروه ۷ کشور صنعتی با اعتراض به پژوهشهای راکتی ایران به محکوم کردن این کشور خلاف قطعنامه ۲۲۳۱ ادامه می دهند. زیرا این قطعنامه موضوع راکتی ایران را مطرح نمی کند. خانم سفیر، سامانتا پاور Samatha Power طی بحث در شورای امنیت یادآور شده بود که ایران نه تنها باید خودش را با قطعنامه تطبیق دهد بلکه باید به موازین بین

المللی دیگری نیز پاسخ بگوید که مربوط است به زمینهٔ راکت‌های بالیستیک. (6) ایالات متحده می‌داند که نمی‌تواند موضوع راکت‌های بالیستیک و هسته‌ئی را به یکدیگر پیوند بزند، به همین علت از تاریخ توافق ۲۰۰۱ هیچ شکایتی علیه ایران مطرح نشده است.

۶) جمهوری دموکراتیک خلق کوریا

گروه ۷ کشور صنعتی پژوهش‌های هسته‌ئی کشوری را که "کوریا شمالی" می‌نامند محکوم کرده‌اند، و بر این اساس خاطر نشان می‌کنند که ایالات متحده از سال ۱۹۵۰ با آن در جنگ است. به همین علت می‌توانند به چندین قطعنامهٔ شورای امنیت مراجعه کنند. با وجود این، در نبود قرارداد صلح و با توجه به فشاری که طی ۱۰ سال روی ایران وارد آوردند، یعنی کشوری که برنامهٔ هسته‌ئی نظامی نداشت، درک می‌کنیم که چرا پیونگ یانگ سر پیچی کرده است.

۷) "اوکراین/روسیه"

گروه ۷ کشور صنعتی اعلام می‌کند که به "حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال" اوکراین احترام می‌گذارد، و سپس، وقتی روسیه کریمه را ضمیمه می‌کند، چنین اقدامی را غیر قانونی دانسته و محکوم می‌داند. و این نمونه‌ای از ریاکاریهای غرب است. زیرا، اعضای گروه ۷ کشور صنعتی بودند که کودتای کی‌یف را سازماندهی کردند و با چنین حرکتی حاکمیت و استقلال اوکراین را پایمال نمودند. شهروندانی که کودتا را نمی‌پذیرفتند دست به مقاومت زدند. خیلی زود دریافتند که مردم از دیدگاه جغرافیایی به دو گروه تقسیم شده‌اند، بخشی از آنها طرفدار آتلانتیستها و بخش دیگر طرفدار روسیه. مناطق طرفداران روسیه، کریمه، دنباس و لوگانسک اعلام استقلال کردند، ولی فقط کریمه بود که با شتاب خواستار پیوستن به فدراسیون روسیه شد. فقط یک جملهٔ انتقاد آمیز دربارهٔ بزهکاری دولت اوکراین مطرح کردند، که نشان داد که اعضای گروه ۷ کشور صنعتی خیلی گرفتار هم پیمان جدیدشان هستند.

۸) لیبیا

گروه ۷ کشور صنعتی از فایز السراج پشتیبانی کرد، یگانه قدرتی که امروز از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است، به نحوی که صلح به کشور بازگردانده شود و بهره‌برداری از نفت و مبارزه علیه داعش را امکانپذیر کند.

در نبود رهبر قانونی کشور به قبایل مختلف تقسیم شده است. دولت السراج در توافقات صحیرات (۲۰۱۵) توسط سازمان ملل متحد تشکیل شد. ولی هرگز از سوی مجلس نمایندگان که پس از قتل معمر قذافی توسط ناتو ایجاد شده بود به رسمیت شناخته نشد. در نتیجه مثل دیگران قانونیت ندارد، حتی اگر فرمانبردارتر از دیگران باشد. در هر صورت، اعضای گروه ۷ کشور صنعتی اعلام کرد که از حذف تحریم اسلحه پشتیبانی می‌کند، یعنی راهکاری که به او اجازه می‌دهد رقیبانش را قتل عام کند و یا دوباره جنگ داخلی راه بیندازد.

۹) افغانستان

اعضای گروه ۷ کشور صنعتی از هر گونه "روند صلحی که از سوی افغانها راه اندازی شود" پشتیبانی می‌کنند، یعنی موضوعی که پس از ۱۵ سال اشغال آنگلو-ایالات متحده آمریکا و توافقات بن که از سوی پیروزمندان تحمیل شده بود،

جای شگفتی ندارد. از شرکت افغانستان در گردهمایی ناتو در جولای آینده در وارسا به یک دیگر تبریک می گویند، یعنی موضوعی که تمام روند صلح ابتکار آمیز افغانها را به شکل تمام و کمال توضیح می دهد و با آن، البته ادامه داستان آرزوی دیر آشنای محاصره نظامی روسیه.

۱۰ " روند صلح در خاور نزدیک "

گروه ۷ کشور صنعتی با فرمول " روند صلح در خاورمیانه " جنگ اسرائیل و فلسطین را در واقع به مفهوم جنگ اسرائیل و عرب درک می کنند. با توجه به مناسبات تیره با نخست وزیر کنونی اسرائیل، بنیامین نتانیاو، گروه ۷ از ابتکار فرانسه در یکی از گردهمایی های بین المللی پشتیبانی کرد... بدون اسرائیلها و بدون فلسطینیها؛ یگانه راهکاری که می تواند " راه حل با دو دولت " را به پیش ببرد.

۱۱ یمن

گروه ۷ کشور صنعتی با احتیاط می گوید که صلح در یمن با از سر گیری گذار سیاسی ممکن خواهد بود. این نظریه مستقیماً حاکی از پشتیبانی از رئیس جمهوری است که خیابان او را از قدرت بیرون راند، عبد ربه منصور هادی که عربستان سعودی و اسرائیل زیر بال او را گرفته اند.

۱۲ افریقا

در حالی که گروه ۷ کشور صنعتی دولتهای پیشین را به طور کلی و با دقت مد نظر داشته، برای بورکینافاسو، برونودی، مالی، نیجریه، جمهوری افریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، سومالی و سودان جنوبی این بذل توجه را نشان ندادند، به همین گونه چند دولت دیگر در پیرامون دریاچه چاد (آبریز چاد)، ساحل و شاخ افریقا که نامشان آورده نشده است. ارجاع همه به یک پراگراف بوده که تعدادی از مسائل را فهرست کرده و برای حل آنها، جملگی را تشویق می کند که سازمانهای میان دولتی شان را تقویت کنند. پنتاگون هنوز درک نکرده است که افریقاییها از تأسیس ستاد فرماندهی ناتو در افریقا AfriCom با آغوش باز استقبال نکرده اند.

این پراگراف در حضور رئیس جمهور چاد "ادریس دبی" نوشته شده است که جزء مهمانان دعوت شده حاشیه گردهمایی بود. اصل خدشه ناپذیر ایالات متحده مبنی بر این که یک نفر نمی تواند بیش از دو بار پی در پی در مقام رئیس جمهور باقی بماند در این کشور اعتبار ندارد. ادریس دبی از ۲۵ سال پیش در مقام رئیس جمهور باقی مانده و به جنایات متعددی در کشورش و به همینگونه در دارفور متهم بوده، ولی برای گسترش و استقرار نیروی های نظامی در قاره سیا بهترین هم پیمان است.

۱۳ ونزولا

گروه ۷ بر آن است که هم زمان بین دولت و شهروندان، و بین دولت و پارلمان میز مذاکره دایر کند. چنین راهکاری به شکل زیرکانه ای به این معناست که دولت اقتدارگرا بوده و زیر ضرب اعتراض مردم و احزاب سیاسی قرار دارد. در واقع، واشنگتن در سازماندهی شورش در سال ۲۰۱۷ (7) و یا کودتا در فیروری ۲۰۱۵، توفیقی به دست نیامد (8). واشنگتن اعلام کرد که ونزولا " امنیت ملی خودش را تهدید می کند" (9)، سپس برای رهبران اصلی بولیواری، مانند دیوسدادو کابلو Diosdado Cabello پرونده سازی کرد و او را به قاچاقچی مواد مخدر متهم نمود. (10) گرچه او با در ملاقات با همقطار ونزولائی خود حفظ ادب را رعایت کرد، ولی بیانیه ۲۰۱۶ را دوباره مطرح کرد. در ۲۵

فبروری ستاد فرماندهی ارتش آمریکا برای امریکای جنوبی، مرکزی و کارائیب SouthCom و نیروهای ویژه ایالات متحده آمریکا طرح بی ثبات سازی کشور را پیشبینی کرده بودند ولی متأسفانه لو رفت. (11) هدف واشنگتن در سالهای آینده تحریک هرج و مرج در ونزوئلا است، یعنی هرج و مرجی مشابه آنچه در شامات روی داد.

۱۴) امنیت دریائی

گروه ۷ کشور صنعتی خود را به مثابه ضامن امنیت دریائی معرفی می کنند، گرچه دزدان دریائی شاخ افریقا در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ را خودشان سازماندهی کردند (12)، به فراخواستهای بیجینگ در بحیره چین که به قانون بحری اتکاء دارد معترضند، یعنی موضوعی که اساساً نمی تواند مشکلی به حساب بیاید. فراخواستهای بیجینگ از دیدگاه تاریخی قانونیت دارد و تا کشف منابع نفتی برای هیچ کس مشکلی ایجاد نمی کرد. جزائر سبراتلی Spratleys و پاراسل Paracels تا قرن هجدهم به چین تعلق داشت. ولی به این علت که غیر مسکونی بود، امپراتور هرگز نماینده ای به آنجا نمی فرستاد. در دوران استعمار چین در قرن نوزدهم این جزائر رها شده بود. به همین علت، امروز بر حسب تعبیر استعمارزدائی می تواند همانقدر از سوی تایپه مطالبه شود که بیجینگ و البته روشن است که قدرتهای قدیمی استعماری برداشت دیگری از رویدادها دارند که با برداشت مردم چین که آنها را از کشورشان بیرون راندند متفاوت است.

۱۵) منع گسترش سلاح هسته‌ئی و خلع سلاح

جای تردید خواهد داشت تصور کنیم که گروه ۷ کشور صنعتی با منع گسترش سلاح هسته‌ئی و خلع سلاح موافق باشد، زیرا گرچه گفتارها همواره رنگ صلح جویانه دارد ولی سیاستشان عملاً امپریالیستی است. اوپاما در اینجا ریاکاری غربی را نمایندگی می کند که جایزه نوبل صلح را دریافت کرده بود، زیرا گفته بود که می خواهد سلاح هسته‌ئی را از بین ببرد، ولی وقتی به قدرت رسید به عکس آنچه گفته بود به مدرنیزاسیون ذخیره سلاح های هسته‌ئی ایالات متحده آمریکا همت گماشت. کمی پس از گردهمائی، به هیروشما رفت و در آنجا سخنرانی کرد. البته، بی آن که اظهار ندامت کند، مسؤولیت چنین فاجعه ای به عهده گذشتگان او بوده و نه خود او، ولی به پرششی که در رابطه با قانونیت بمباران هسته‌ئی بود پاسخ نگفت، یعنی موضوعی که عمق اندیشه او را آشکار می کند. گروه ۷ کشور صنعتی به گونه ای رفتار می کند که گوئی نمی داند که در سال گذشته یک خانواده سعودی به بمب اتمی دسترسی یافته و دست کم دو بمب اتمی تاکتیک در یمن به کار برده است. (13) با وجود این از آزمایش های کوریای شمالی خطر مهمتری را به وجود می آورد. علاوه بر این، به این علت که سعودی ها به شکل خصوصی و نه به مسؤولیت رسمی و دولتی به این تکنولوژی دست یافته اند، عربستان سعودی شکاف مضاعفی را در منشور منع گسترش سلاح هسته‌ئی ایجاد کرده است.

۱۶) اصلاحات سازمان ملل متحد و عملیات صلح

همانگونه که باید، گروه ۷ کشور صنعتی خود را برای اصلاح سازمان ملل متحد مساعد نشان می دهد و از این موضوع استفاده کرد تا پشتیبانی از تصمیمات گردهمائی درباره عملیات صلحی را تأیید که رئیس جمهور اوپاما ریاست آن را در سازمان ملل متحد به عهده داشت.

مشکل اینجاست که حتا اصل عملیات حفظ صلح ناقض منشور سازمان ملل متحد است. در آغاز بنیانگذاری اش، بنیانگذاران مأموریت‌های دیدبانی و نظارت بر توافقات صلح را پیشبینی کرده بودند. عملیات حفظ صلح با توافق طرفین دعوا مفید و ممکن می شد. به عکس امروز، شورای امنیت راه حل خودش را به طرفین تحمیل می کند، یعنی برای تحمیل رعایت راه حل مطرح شده، در این و یا آن جبهه نیروی نظامی پیاده می کند. چنین امری به معنای ملبس کردن راهکار استعماری به حقوق بین الملل است.

۱۷) حقوق بشر

این پراگراف کوتاه کاملاً روشنگر موضوعی است که می خواهم در اینجا مطرح کنم: چه کسی مخالف حقوق بشر است؟ هیچ کس. با وجود این، متن حاکی از احترام به حقوق بشر به مثابه " همکاری بین دولتها و جوامع مدنی " است. در نتیجه، تعریف بریتانیایی و امانوئل کانتی از حقوق برای جامعه مدنی را مطرح می کند. هر فردی باید بتواند به شکل قانونی از حقوق خود در مقابل انحرافات قدرتمدارانه ای که قربانی آن بوده، دفاع کند. به گفته گروه ۷ کشور صنعتی، حقوق بشر حفاظت از افراد در مقابل منافع دولت است. " جامعه مدنی "، یعنی بازیگران سیاسی که در زندگی احزاب سیاسی شرکت ندارند، باید بتوانند از شهروندان در مقابل دولت دفاع کنند. این پرت و پلاها چیزی نیست به جز نفی انقلاب فرانسه، روس، کوبا و ایران که برای آنان نخستین حقوق بشر زیر سوال بردن قانونیت قدرت حاکم است و نه حفاظت در مقابل آن. با چنین کاری، گروه ۷ کشور صنعتی تأیید می کند که طبقه جدید رهبران بین المللی، اجازه نمی دهند سرنگون شوند.

۱۸) امنیت هسته‌ای

گروه ۷ کشور صنعتی در اینجا بین امنیت فن آوریها (safety) را از امنیت سیاسی دستگاه‌ها (security) تفکیک قائل می شود. سهامداران شرکت‌های چند ملیتی را فرامی خواند که منشور بین المللی مرتبط به فعالیت‌هایشان را رعایت کنند. و گردهمایی سازماندهی شده توسط کاخ سفید در رابطه با پیشگیری از سرقت سلاح هسته‌ای توسط گروه‌های تروریست را به یکدیگر تبریک گفتند.

با تفکیک موضوع ربودن احتمالی سلاح هسته‌ای توسط تروپیستها و موضوع منع گسترش سلاح هسته‌ای، گروه ۷ کشور صنعتی به روشنی نشان دادند که در هیچ یک از این دو زمینه جدی نیستند. منع گسترش سلاح هسته‌ای صرفاً برای ممنوع کردن کشورهای غیر هسته‌ای در پیوستن به کلوپ کشورهای هسته‌ای کاربرد دارد. گردهمایی کاخ سفید بهانه‌ای بود تا پنتاگون بتواند به دولتها " کمک کند " و در نتیجه به این معنا که آنها را در کنترل خود داشته باشد.

آینده گروه ۷ کشور صنعتی

تاریخ گروه ۷ کشور صنعتی سیر تحولی مناسبات بین المللی را بازتاب می دهد. طی جنگ سرد، به کلوپ سران دولتها شباهت داشت که برای کار جمعی و تجربه آزمائی مخفیانه گردهمایی تشکیل می دادند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به گردهمایی ابر قدرتهای جهان تبدیل شد که خارج از سازمان ملل متحد هدفش فرمانروائی بر جهان بود. به شکل متناقضی، فروپاشی کنونی آن به دلیل سیاسی و یا قیام روسیه نیست، بلکه با وجه مشخصه جامعه شناسانه ای تعریف می شود: رهبران کنونی روسیه (پوتین و مشاوران نزدیکش) از دیدگاه غربی متعلق به دوران

دیگری هستند. ولی در واقع، رهبران غربی کنونی هستند که شایستگی مقاماتشان را ندارند. در واقع این دو گروه به قدری متفاوت هستند که نمی‌توانند با یک دیگر کار کنند.

- [1] "[G7 Ise-Shima Leaders' Declaration](#)", *Voltaire Network*, May 26th, 2016.
- [2] "[G7 Action Plan on Countering Terrorism and Violent Extremism](#)", *Voltaire Network*, May 27th, 2016.
- [3] "[Plan d'action pour la prévention de l'extrémisme violent](#)", par Ban Ki Moon, *Réseau Voltaire*, 24 décembre 2015.
- [4] "[Les États-Unis violent le cessez-le-feu en Syrie et arment Al-Qaïda](#)", Réseau Voltaire, 25 avril 2016. "[Qui arme les jihadistes durant le cessez-le-feu ?](#)", par Thierry Meyssan, *Télévision nationale syrienne*, Réseau Voltaire, 30 avril 2016.
- [5] "[Plainte de l'Iran au Conseil de sécurité](#)", Réseau Voltaire, 6 mai 2016.
- [6] "[Résolution 2231 et débats \(nucléaire iranien\)](#)", Réseau Voltaire, 20 juillet 2015.
- [7] "[États-Unis contre Venezuela : la Guerre froide devient chaude](#)", par Nil Nikandrov, Traduction Roger Lagassé, *Strategic Culture Foundation* (Russie), Réseau Voltaire, 10 mars 2014. "[Las "guarimbas" de Venezuela : derecha embozada](#)", por Martín Esparza Flores, *Contralinea* (México), *Red Voltaire*, 28 de abril de 2014.
- [8] "[Obama rate son coup d'État au Venezuela](#)", par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 23 février 2015.
- [9] "[Executive Order – Blocking Property and Suspending Entry of Certain Persons Contributing to the Situation in Venezuela](#)", by Barack Obama, *Voltaire Network*, 9 March 2015.
- [10] "[Washington fabrique un dossier contre Caracas](#)", Réseau Voltaire, 21 mai 2015.
- [11] "[Operación Venezuela Freedom-2](#)", *Red Voltaire*, 22 de mayo de 2016.
- [12] "[Pirates, corsaires et flibustiers du XXIe siècle](#)", par Thierry Meyssan, *Odnako* (Russie), Réseau Voltaire, 25 juin 2010.
- [13] "[Alarme rouge nucléaire](#)", par Manlio Dinucci, Traduction Marie-Ange Patrizio, *Il Manifesto* (Italie), Réseau Voltaire, 23 février 2016. "[L'Arabie saoudite a la bombe atomique](#)", par Giulietto Chiesa, Traduction [IlFattoQuotidiano.fr](#), Réseau Voltaire, 1er mars 2016. "[Le Proche-Orient nucléarisé !](#)" et "[La bombe saoudienne \(vidéo\)](#)", par Thierry Meyssan, *Télévision nationale syrienne*, Réseau Voltaire, 29 février et 7 mars 2016

ولتر شبکه در اصلی متن لینک :

<http://www.voltairenet.org/article191980.html>

گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی

۳۰ می ۲۰۱۶